

بررسی و تحلیل فضایی نابرابری‌های اجتماعی در مناطق شهری ارومیه

The Spatial Study and Analysis of Social Inequalities in Urban Zones of Uremia

M. R. Pourmohammadi¹, H. Hekmatnia²,
M. A. Safarlouei^{3*}

محمد رضا پورمحمدی^۱، حسن حکمت‌نیا^۲،
محمد علی صفرلویی^{۳*}

Accepted: 19/04/2014

Received: 16/10/2014

پذیرش: ۹۳/۰۷/۲۴

دریافت: ۹۳/۰۱/۳۰

Abstract

The aim of this paper is analyzing Social Inequality in urban zones of Uremia. The research method is descriptive-analytic which has used quantitative models: such as Topsis model and computational software for ranking Inequality zones. According this findings, social riches and inequality coefficient have been totally different, as the forth (central) and first zones are identified as rich zones, whereas the second and the third zones are poor. Indeed the development of Uremia metropolis like many other metropolises in developing countries has a bipolar system of uptown and downtown. The conclusions obtained, represent that to reach regional balance in Uremia, we need income redistribution and surplus allocation for poor zones. This strategy can solve inequality growth problems and can cause social justice.

Keywords: Social Inequality, Spatial Justice, Urban Zones, Uremia.

چکیده

هدف این مقاله، تحلیل نابرابری‌های اجتماعی و سطوح توسعه در مناطق شهری ارومیه است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است که از مدل‌های کمی از جمله از مدل تاپسیس و نرم افزارهای رایانه‌ای برای رتبه‌بندی مناطق و سطوح توسعه استفاده شده است. بنابر یافته‌های این پژوهش نظام برخورداری‌های اجتماعی و ضریب نابرابری در فضای شهری ارومیه بسیار شدید بوده به طوری که منطقه چهار (منطقه مرکزی شهر) و منطقه یک (منطقه سکونت قشر نخبه شهری) مناطق برخوردار، مناطق دو و سه مناطق محروم شناخته شدند. در واقع توسعه مادر شهر ارومیه همانند اکثر مادرشهرهای کشورهای در حال توسعه از نظام دو قطبی بالاشهری و پایین شهری پیروی کرده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد، برای رسیدن به فضای تعادل در سطوح شهر ارومیه، راهبرد پیشرفت توأم با توزیع درآمد و مازاد اجتماعی به‌ویژه تخصیص آن به مناطق کم برخوردار برای حل مسایل رشد و عدالت اجتماعی بهتر می‌تواند رشد و عدالت را به همراه داشته باشد.

واژگان کلیدی: نابرابری اجتماعی، عدالت فضایی، مناطق شهری، ارومیه.

1. Prof. of Urban Planning Tabriz University,
(pourmohammadi@tabrizu.ac.ir)

2. Assistant Prof. of Urban Planning Payame Noor
University, (drhekmatnia@yahoo.com).

3. Assistant Prof. of Urban Planning Payame Noor
University, (msafarlue@gmail.com).

۱. استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز
(pourmohammadi@tabrizu.ac.ir)

۲. استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور
(drhekmatnia@yahoo.com)

۳. استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور (نویسنده
مسئول) (msafarlue@gmail.com)

مقدمه

وقوع انقلاب صنعتی در قرن ۱۹ موجب تحولات شگرف اقتصادی و اجتماعی در حیات بشر شد. ورود فن‌آوری‌های جدید به صحنه زندگی انسان، نوع معیشت، اقتصاد، اجتماع، شیوه زندگی، روابط ملت‌ها و نظام‌های سکونت‌گاهی انسان اعم از شهری و روستایی را به شدت تحت تأثیر قرار داد. با پایان عصر استعمار و تسلط استعمار نو شهرهای کشورهای جنوب خود را در دام مسائلی دیدند که بیشتر آنها با اوضاع اجتماعی- اقتصادی این کشورها غیر قابل حل می‌نمود و با آنچه در تاریخ شهرنشینی و شهرگرایی اروپا به وقوع پیوسته بود، تفاوت‌های بسیاری داشت (Shakoei, 2002: 1). موج گسترده مهاجرت جمعیت روستایی به مناطق شهری و رشد فزاینده جمعیت شهری، شهرنشینی لجام گسیخته و حتی فراشهرنشینی در کشورهای جنوب، نشان دهنده عمق بیماری ساخت‌های اجتماعی- اقتصادی آن‌هاست (پاتر و دیگران، ۱۳۸۴). وجود نابرابری و عدم تعادل فضایی در ساکنان نواحی مختلف یک شهر، به هیچ وجه پدیده‌ای جدید در هیچ یک از شهرهای جهان نیست، اما در کشورهای در حال توسعه به دلیل فاحش بودن تفاوت‌های اجتماعی- اقتصادی، نابرابری‌های فضایی شهرها تشدید شده است (Abdi Daneshvar, 1998: 37). سازمان فضایی متعادل در شهرها، نوعی از پایداری شهری است، این پایداری زمانی محقق خواهد شد که هماهنگی و سازگاری منطقی بین مناطق و نواحی شهر و توزیع عادلانه امکانات و خدمات در شهرها به وجود آید (Mousavi, 2008: 28). از مهمترین عوامل در برنامه‌ریزی شهری، استفاده از فضاها و توزیع مناسب و به عبارتی کامل‌تر عدالت فضایی است. در این راستا کاربری‌ها و خدمات شهری از جمله عوامل مؤثر و مفیدند که با پاسخگویی به نیازهای جمعیتی، افزایش منفعت عمومی و توجه به استحقاق و شایستگی افراد می‌توانند با برقراری عادلانه‌تر، ابعاد عدالت فضایی، عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی را برقرار نمایند. لذا عدالت در شهر باید به

گزاره‌های زیر پاسخگو باشد (Varasi, 2005: 5).

- الف. تخصیص مناسب و متناسب امکانات و خدمات
ب. استفاده از توان بالقوه و بالفعل در شهر
ج. از بین بردن شکاف بین فقیر و غنی در شهر
د. جلوگیری از بوجود آمدن زاغه‌های فقر

بیان مسئله

ارومیه مرکز اداری - سیاسی استان آذربایجان غربی با جمعیتی بالغ بر ۵۷۷۳۰۷ نفر (۱۳۸۵) بعنوان شهر بزرگ و یکی از مادر شهرهای منطقه شمال غرب کشور و دهمین شهر پرجمعیت ایران که طی دوره آماری (۱۳۳۵-۱۳۸۵) با رشد ۵/۲ درصد سالانه، جمعیت آن از ۶۷۶۰۵ نفر به ۵۷۷۳۰۷ نفر رسیده است (طالب‌زاده و صدرموسوی، ۱۳۸۸: ۱۳۶). وسعت آن از ۱۱۰۰ هکتار به ۸۵۷۷ هکتار (رشد بالای ۸۰۰ درصد) افزایش یافته است (طرح جامع ارومیه، ۱۳۸۵: ۱۴). رشد شتابان جمعیت شهری و وسعت‌یابی فزاینده شهرهای بزرگ به طور اخص ارومیه ناشی از مهاجرت شدید روستایی- شهری و شهری- شهری می‌باشد که موجب شکل‌گیری فضای لجام گسیخته و بدون برنامه، شده است. مدیریت شهری را نه تنها در ارائه خدمات با مشکل روبرو کرده، بلکه در عصر جهانی شدن مدیریت کارآمد و اثر بخش را به یک مدیریت منفعل و اقتضایی مبدل ساخته است. نابرابری مناطق شهری ارومیه در برخورداری از شاخص‌های توسعه پایدار و عدم تعادل فضایی موجبات دوری شهر از شاخص‌های توسعه پایدار شهری شده است. این فضاها ناهمگون و نابرابر نه تنها درکل گستره شهر مشهود است بلکه در بین مناطق شهر بیشتر خود نمایی می‌کند. با نگاه عمیق به مؤلفه‌های توسعه پایدار شهری، به ویژه عدالت اجتماعی، عدالت محیطی و رشد متوازن، می‌توان دریافت جوهر مایه آن در سطوح مختلف جهانی، ملی، منطقه‌ای و مناطق درون شهری نهفته است. این مقاله بحث ساختار تعادل فضای شهری و توزیع عادلانه امکانات

نیازهای جمعیت شهری را پاسخگو باشد و تخصیص منطقه‌ای منابع را به گونه‌ای هدایت کند که افراد با کمترین شکاف و اعتراض نسبت به استحقاق حقوق خود مواجه باشند. از نظر وی مفهوم عدالت اجتماعی در نهایت یعنی «توزیع عادلانه از طریق عادلانه» (هاروی، ۱۳۷۹: ۹۸). مفهوم عمومی عدالت فضایی این است که بایستی با تمام ساکنان در هر جایی که زندگی می‌کنند، به طور مساوی رفتار شود (Kunzmann, 1998: 101). در مفهوم برنامه‌ریزی؛ تسهیلات عمومی، عدالت فضایی، به معنی جدایی یا مجاورت به تسهیلات عمومی در بین ساکنین است (Tsou et al, 2005: 425). هدف اصلی برنامه‌ریزی "عدالت فضایی" است (Melvin, 2004: 53).

از نظر جغرافیایی ساخت‌های اجتماعی را نمی‌توان از ساخت‌های فضایی جا کرد. در مباحث جغرافیایی بر تولید فضا و نحوه توزیع آن تأکید می‌شود (Khoshruie, 2004: 14). در جغرافیا دیدگاه قدرت و نابرابریهای اجتماعی در قالب مکتب ساختارگرایی و رادیکال مطرح شده است. مکتب ساختاری، بیشتر بر شناخت عمیق نابرابریهای اجتماعی - اقتصادی در شهرها تأکید می‌کند که در نتیجه آن، تخصص فضایی منابع محدود در شهرها به وجود آمده است (Shakoei, 2004: 7). بر این اساس پنج رویکرد عمده در بررسی نظریه‌های توسعه و شهرنشینی قابل تشخیص است.

۱- رویکرد کلاسیکی - سنتی: این رویکرد از تفکرات حاکم بر توسعه اقتصادی نوکلاسیکی ناشی می‌شود و در دوره زمانی نزدیک به ۴۰ سال بر تفکر توسعه کاملاً چیره بوده است. این رویکرد اساساً ساختار دوگانه را ویژگی کشورهای در حال توسعه می‌داند. این دوگانگی بین یک بخش سنتی بومی و توسعه نیافته از یک سو و بخش مدرن، توسعه یافته و غربی شده از سوی دیگر برقرار است. این رویکرد توسعه را فقط در قالب توسعه اقتصادی و به معنای "رشد تولید ناخالص ملی" مورد توجه قرار می‌دهد و طرفدار رشد اقتصادی بدون توجه به مسائل

و خدمات اجتماعی بین همه سطوح مناطق شهری ارومیه را دنبال می‌کند و در جهت یافتن پاسخ این سوال است که: آیا میان مناطق شهری ارومیه به لحاظ برخورداری از شاخص‌های اجتماعی و توسعه پایدار شهری و توزیع امکانات و خدمات تفاوت‌های معنی داری وجود دارد؟ هدف مقاله شناخت نابرابری‌های اجتماعی مناطق شهری ارومیه و ارائه راهکارهای لازم به منظور تقویت توسعه متوازن اقتصادی - اجتماعی و توزیع عادلانه امکانات و خدمات شهری به دستگاه‌های متولی مدیریت شهری است. امری که ضمن فراهم آوردن توسعه متعادل و منطبق بر اصل عدالت اجتماعی، در افزایش کیفیت مادی و معنوی زندگی شهروندان در راستای توسعه پایدار شهری موثر واقع شود.

مفاهیم نظری

مفهوم عدالت اجتماعی یا برابری اجتماعی از منظرهای مختلف قابل بررسی است و مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، عدالت فضایی، عدالت جغرافیایی و عدالت محیطی نیز متأثر از چند بعدی بودن این مفهوم است، اما آنچه حایز اهمیت است، این است که اساس هر گونه تغییر در سازمان فضایی در روابط اقتصادی - اجتماعی و توزیع در آمد در جامعه اثر مستقیم می‌گذارد (مرصوصی، ۱۳۸۳: ۹۱). برایان‌بری، عدالت اجتماعی را نظریه‌ای می‌داند که درباره نوع ترتیبات اجتماعی بوده و قابل دفاع باشد. وی معتقد است در حالی که عدالت اجتماعی یک مفهوم بسیار پیچیده است، اغلب توجه بر روی توزیع درآمد و سایر منابع مرتفع کننده نیاز مردم است که به شرایط مادی جمعیت بستگی دارد (شکوئی، ۱۳۸۵: ۷۵). میلتن و کیف بر برتری عدالت بر محیط زیست تأکید کرده و می‌گویند؛ زوال توسعه نه با ناپایداری اقتصاد زیست محیطی، بلکه با بی‌عدالتی اجتماعی آغاز می‌شود. اگر جامعه‌ای برای سطح بیشتری از برابری اجتماعی و اقتصادی بکوشد، اهداف بلند مدت جهان پایدارتر احتمالاً محقق خواهد شد (Duf, A. K, 2005: 296). از نظر هاروی عدالت اجتماعی در شهر باید به گونه‌ای باشد که

اجتماعی، کاهش فقر و یا کاهش فاصله‌های طبقاتی است (Robert & Sally, 2003: 53).

۲- رویکردهای تاریخی - واقع گرایی: در پایان دهه ۱۹۶۰ و اوائل ۱۹۷۰ از جانب تعدادی از اندیشمندان دیدگاهی در باب توسعه شکل گرفت و تدوین شد، مبتنی بر اینکه بدون مداخله دولت، توسعه به نحو فزاینده‌ای در جوامع در حال گذر قطبی می‌شود. در این دیدگاه‌ها بر خلاف شناخت رایج آن دوره به بعد تاریخی توسعه توجه شد. مدل مرکز- پیرامون جان فریدمن از شناخته شده‌ترین کارها در این زمینه است (Friedmann, 1966: 35). رویکردهای تاریخی به دلیل گسترش و افزایش نابرابری‌های اجتماعی در نگرش به بنیان‌های تاریخی، توسعه شهری را در چارچوب برنامه ریزی‌های هدایت شده، مورد بحث قرار می‌دهد (اجلالی، ۱۳۷۳: ۴).

۳- اقتصاد سیاسی رادیکال - رویکردهای وابستگی: این رویکرد طیفی از دیدگاه‌های مارکسیستی قدیم و جدید، گذر انقلابی به جامعه سوسیالیستی تا راه رشد غیر سرمایه داری، نظریه وابستگی و قرائت‌های امروزی جامعه شناسی انتقادی (مکتب فرانکفورت) را در بر می‌گیرد. رویکرد این نظریه‌ها بازتابی از اندیشه‌های جهان سرمایه داری و توسعه شهری در کشورهای اروپایی و اکثر کشورهای توسعه یافته است که در کشورهای در حال توسعه به محور توسعه تبدیل شده و بازتاب آن همان توسعه کلان شهری و پیدایش شهرهای برتر است (Zahedi, 2004). مکتب و نظریه‌های وابستگی در تقابل با پارادایم نوسازی عنوان شد و بجای بازتاب اندیشه‌های اروپا- محور توسعه، به صدایی از جهان سوم بدل شده است (Cumper, 1974).

۴- رویکردهای فرا نوگرایی - پارادایم پایین به بالا: از نیمه دهه ۱۹۷۰، انتقادات نسبت به سیاست‌های بالا به پایین، بخصوص در مورد خط مشی قطب رشد، مطرح شد. این نظریه، که فقط یک مسیر خطی برای توسعه وجود دارد،

توسعه با رشد اقتصاد یکی است به چالش کشیده شدند. مفسران لیبرال و رادیکال تأکید می‌کردند که رویکردهای بالا به پایین به توسعه، هم چون خدمت گذاران سرمایه داری فراملیتی عمل می‌کند (Robert & Sally, 2003: 81). در استراتژی توسعه از پایین، هدف‌های اجتماعی وسیع و انگیزه‌های داخلی در نظر گرفته می‌شود و رفع نیازهای اساسی اکثریت مردم شهری، برخورد مستقیم با فرصت‌های اشتغال به همراه بهبود بخشی به مناطق مسکونی گروه‌های کم درآمد، افزایش خود کفایی و اعتماد به نفس، تجدید نظر در قوانین شهری به نفع اکثریت مردم، تقویت سازمان‌های محلی، تامین منابع مالی در عرصه خدمات به اقشار ضعیف، اجرای برنامه‌ریزی‌های شهری و سالم سازی محیط زیست در مناطق پر تراکم و بهره مندی مردم از مزایای توسعه و امکانات اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی در اولویت قرار می‌گیرند (Shakoui, 2004: 505-506).

۵- رویکردهای توسعه پایدار - توسعه پایدار شهری: پایداری به عنوان وجه وصفی توسعه، وضعیتی است که در آن مطلوب بودن و امکانات موجود در طول زمان کاهش پیدا نمی‌کند و از واژه Sustenere (Sus)، یعنی از پایین و Tenere، یعنی نگهداشتن) به معنی زنده نگهداشتن یا نگهداشتن گرفته شده است که بر حمایت یا دوام بلند مدت دلالت می‌کند. مفهوم توسعه پایدار از اوایل دهه ۱۹۸۰ یعنی دههای سال بعد از رشد لگام گسیخته بنام "توسعه" در متون زیست محیطی و در حوزه‌های توسعه مطرح شد (Redclift, 1992: 395). نظریه‌های توسعه پایدار شهری در راستای پارادایم توسعه پایدار و در پی نگرانی‌های طرفداران محیط زیست در باره مسایل زیست محیطی بخصوص محیط زیست شهری است که به دنبال نظریه "توسعه پایدار برای حمایت از منابع محیطی" ارائه شد. اما توسعه پایدار شهری برای نظریه پردازان و کشورهای مختلف معنای و مفهوم مناقشه آمیزی دارد. برای کشورها و دولت‌های پیشرفته سرمایه‌داری در غرب هدف

جهانی نشان داده است برای حل مسئله عدالت و توسعه پایدار مفید خواهد بود.

پیشینه تحقیق

مفهوم و کارکرد عدالت اجتماعی از اواخر دهه ۱۹۶۰ وارد ادبیات جغرافیایی شد و جغرافیای رادیکال و لیبرال را بیش از سایر مکتبها تحت تاثیر قرار داد، به طوری که دیوید هاروی در کتاب «عدالت اجتماعی و شهر» و دیوید اسمیت در کتاب «جغرافیا و عدالت اجتماعی» این مفهوم را به طور جدی در جغرافیا مطرح کردند. مسائلی نظیر رفاه اجتماعی، نابرابری های شدید، فقر، نژاد پرستی، قوم گرایی، آلودگی ناشینی و ... که تا آن زمان در جغرافیا فراموش شده بود به سرعت مورد توجه جغرافیدانان قرار می گیرد. دیوید هاروی؛ اولین جغرافیدانی بود که مفهوم عدالت اجتماعی را در کمک به خیر و صلاح همگانی، توزیع درآمد در مکان ها، تخصیص عادلانه منابع و رفع نیازهای اساسی مردم به کار گرفت. هاروی با طرح وابستگی میان نابرابری های اجتماعی و ساختارهای فضایی جغرافیایی، بنیان گذار جغرافیای انسانی نوگردید (Shakoei, 2004). دیوید اسمیت در سال ۱۹۹۴ در اثر ارزشمند خود با عنوان «جغرافیا و عدالت اجتماعی» فصل تازه ای در علم جغرافیا می گشاید. در این اثر چنین آمده است: جغرافیا باید در نظریه و عمل با عدالت اجتماعی پیوند بخورد. جغرافیا، بدون عدالت اجتماعی، فاقد آن قدرت و توانایی خواهد بود که بتواند در مطلوبیت بخشی به زندگی انسانی توفیق یابد. حتی دموکراسی واقعی زمانی امکان پذیر است که با عدالت اجتماعی همراه باشد (Shakoei, 2004: 142).

بحث عدالت اجتماعی در ایران به صورت مستقیم و غیرمستقیم طی مقالاتی که در سمینارها، کنگره ها، مجلات ادواری و علمی- پژوهشی جغرافیا که در زمینه های نابرابری جهانی، منطقه ای، درون شهری، بین ناحیه ای، روستا- شهری و نظایر آن ارائه شده، قابل تقسیم بندی هستند. در سال های اخیر در ایران در زمینه عدالت اجتماعی

از طرح این رویکرد ناشی از نگرانی آنها نسبت به محیط زیست طبیعی و حفاظت از آن است. در حالیکه برای کشورها جنوب (جهان سوم) توسعه انسانی در اولویت قرار دارد. توسعه ای که در ارتباط با افزایش استانداردهای مادی زندگی تنگدستان در سطح همگانی است. برای آنها اهداف اجتماعی و اقتصادی با تمرکز بر بهبود دسترسی به نیازهای اساسی اهمیت دارد. نیازهای که فقرا را در رسیدن به معیشت ثابت و امن یاری کند زیرا این فقرا هستند که اغلب هیچ انتخابی جز گزینش منافع کوتاه مدت اقتصادی به هزینه محیط زیست ندارند (Barbier, 1989). بنابر نظر کمیسیون جهانی برای محیط و توسعه (۱۹۸۷)، مؤلفه های اصلی پایداری عبارتند از محیط زیست، عدالت و رشد. بنابراین می توان گفت که دسترسی به زمین مطمئن، سر پناه مناسب، نیازهای اساسی از جمله تغذیه، پوشاک، اشتغال سودآور، و خدمات اساسی؛ حقوق انسانی بنیادی را تشکیل می دهند که باید زیر بنای هر ایده ای در توسعه پایدار قرار گیرد. فشار فزاینده بر شهرها در شکل جمعیت رو به رشد، نظارت نابرابر بر منابع و دسترسی ناعادلانه به آن ها، فقر و افت کیفیت محیط زندگی بسیاری از شهروندان از عوامل اصلی ناپایداری شهری است. بنابراین در راهبردهای توسعه پایدار شهری بویژه در شهرهای جهان در حال توسعه، که از فقر و نابرابری مزمن ساختاری رنج می برند، عدالت اجتماعی باید بیش از هر مؤلفه ای سر مشق توسعه قرار گیرد. در مورد رابطه عدالت اجتماعی و توسعه سه راهبرد وجود دارد. راهبرد اول تقدم رشد نسبت به باز توزیع درآمد^۱ (GTR)، راهبرد دوم تقدم باز توزیع درآمد نسبت به رشد^۲ (RTG)، راهبرد سوم رشد همراه با باز توزیع درآمد^۳ (GWR). (Sharifzadgan, 2005: 22-23) دو راهبرد اول راهبردهای افراطی بوده و نمی توانند باز تاب تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار باشند. راهبرد سوم اگر بدرستی در عمل به کار گرفته شود تجربه های

1. Growth then Redistribution
2. Redistribution then Growth
3. Growth with Redistribution

سطح برخورداری مناطق مشهد پرداخته و نتیجه‌گیری کرده که ۵۰ درصد مناطق مشهد از نظر برخورداری بالاتر از حد متوسط و بقیه کمتر از متوسط بودند. ۷- حمیدرضا وارثی و دیگران در مقاله‌ای با عنوان بررسی توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت در اصفهان (۱۳۸۶) با مدل ویلیامسون توزیع خدمات شهری را بررسی کرده و نتیجه گرفته توزیع خدمات عمومی در بین مناطق نابرابر بوده است. ۸- مرتضی محمد پور جابری در رساله کارشناسی ارشد با عنوان تحلیل نابرابری اجتماعی در برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری اسفراین (۱۳۸۷) با استفاده از شاخص ناموزون موریس به تحلیل و رتبه‌بندی محلات آن شهر اقدام نموده و به این نتیجه رسیده که وضعیت اقتصادی- اجتماعی محلات مرکزی نسبت به محلات حاشیه‌ای شرایط بهتری دارد.

معرفی اجمالی از تقسیمات کالبدی ارومیه

شهرستان ارومیه با وسعت ۵۲۵۱/۱۸۵ کیلومتر مربع، حدود ۱۵/۸ درصد از سطح استان آذربایجان غربی را به خود اختصاص داده است. تعداد جمعیت شهرستان ارومیه طبق سرشماری (۱۳۸۵)، ۸۷۱۲۰۲ نفر بوده که از این تعداد ۵۹۶۱۱۶ نفر در نقاط شهری و ۲۷۵۰۸۷ نفر در نقاط روستایی سکونت دارند. از حیث جمعیت به عنوان دهمین شهر پر جمعیت کشور محسوب می‌شود. تراکم نسبی جمعیت ۱۴۰۰۰ نفر در هر کیلومتر مربع بوده بر این اساس شهر ارومیه طبق منطقه بندی سازمان مسکن و شهرسازی و شهرداری به چهار منطقه شهری تقسیم‌بندی شده که پژوهش حاضر بر مبنای آن است. مشخصات کلی مناطق به شرح ذیل می‌باشد.

منطقه ۱: منطقه یک شهری ارومیه در جنوب و جنوب غرب و جنوب شرق ارومیه که به موازات سواحل شمالی و جنوبی رودخانه شهرچای کشیده شده است، با مساحتی بالغ بر ۳۲۷۶/۷ هکتار، ۱۷۳۴۱۱ نفر جمعیت را در خود جای داده است. علیرغم گستردگی زیاد این منطقه از نظر

و نابرابری‌های اجتماعی درون مناطق شهری، رساله‌ها و مقالات علمی- پژوهشی چندی به رشته تحریر در آمده است که عمدتاً به بحث حاشیه نشینی، مشاغل غیررسمی و چگونگی توزیع فضایی خدمات شهری پرداخته‌اند. در اینجا به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود. ۱- عماد افروغ در رساله دکتری تحت عنوان فضا و نابرابری اجتماعی، مورد محلات تهران (۱۳۷۷) با مقایسه میانگین شاخص‌ها و معناداری آن‌ها در محلات سه گانه تهران به این نتیجه رسید که، جدایی‌گزینی فضای آموزشی، شغلی، در آمدی و پایگاه اجتماعی در محلات جنوب شهر کاملاً مشهود است. ۲- نفیسه مرصوصی در پایان نامه دکتری با عنوان تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر تهران (۱۳۸۲) با استفاده نرم افزار ArcView به رتبه‌بندی مناطق تهران پرداخته و به این نتیجه رسید که شاخص‌های فقر و توسعه؛ وجود نابرابری فضایی استانداردهای زندگی و ادامه روند افزایشی آن را در دوره مورد مطالعه را تایید می‌کند. ۳- عبدالنبی شریفی پایان‌نامه دکتری با عنوان تحلیلی بر نابرابری‌های منطقه‌ای در شهر اهواز (۱۳۸۵) به این نتیجه رسید که الگوی بهره برداری مناطق نشان دهنده عدم تعادل شدید میان سرانه‌های وضع موجود و شاخص‌های استاندارد است. ۴- حسین بهروان در طرحی با عنوان آمایش فرهنگی و عدالت اجتماعی در مناطق ۱۲ گانه شهرداری مشهد (۱۳۸۴) با روش ترکیبی- اسنادی و تحلیل ثانویه داده‌های پیمایشی، به این نتیجه رسیده توزیع امکانات فرهنگی در مناطق نسبت به حد متوسط شهر نابرابر بوده و ناهمگونی زیادی از لحاظ سهم آنها در وضع موجود وجود دارد. ۵- حسین یغفوری (۱۳۸۷) خدمات عمومی شهری از منظر عدالت اجتماعی مورد؛ مناطق شهری زاهدان، با مدل ویلیامسون و ضریب آنتروپی، نحوه توزیع خدمات شهری زاهدان را بررسی نموده، وجود نابرابری در مناطق آن شهر را به وضوح نشان داده است. ۶- علیرضا باوان پوری در مقاله‌ای با عنوان تحلیل نابرابری در سطوح توسعه یافتگی مناطق شهری مشهد (۱۳۸۸) با مدل موریس به سنجش

شاخص ها و مدل تاپسیس (اصغر پور، ۱۳۸۷: ۲۷۰-۲۱۳) و ضریب پراکندگی (کلانتری، ۱۳۷۷: ۱۲۹) چگونگی توزیع امکانات شهری در مناطق شهری ارومیه محاسبه، رتبه بندی و سطح بندی گردیده است.

شاخص های تحقیق

ساختار فضایی مناطق شهری به عنوان متغیر وابسته ای است که از هشت بخش تشکیل شده است که همگی مقیاس فاصله ای هستند. شاخص های مورد مطالعه عبارتند از:

الف- شاخص های ساختار جمعیتی (X_۱): شاخص های مورد بررسی در این بخش، شامل ۱۱ شاخص؛ تعداد جمعیت، تعداد خانوار، مساحت، متوسط تعداد خانوار، تراکم ناخالص جمعیت در هکتار، سهم نسبی جمعیت، سهم جنسی جمعیت، درصد مهاجران، میزان جوانی جمعیت، میزان کهنسالی جمعیت، میانگن سنی جمعیت است.

ب- شاخص های ساختار اجتماعی (X_۲): مهم ترین شاخص های مورد مطالعه در این قسمت، شامل پانزده شاخص؛ ضریب با سواد جمعیت، ضریب با سواد مردان، ضریب با سواد زنان، درصد فعالیت عمومی، درصد فعالیت واقعی، درصد بیکاری جمعیت فعال، میزان بار تکفل، درصد مردان شاغل، درصد زنان شاغل، درصد زنان خانه دار به کل جمعیت زنان، درصد جمعیت معلول، درصد زنان مطلقه، درصد جمعیت دارای همسر، درصد جمعیت ازدواج کرده، می باشد.

ت- شاخص های ساختار اقتصادی (X_۳): شاخص های بخش اقتصادی که در واقع، مهمترین و تأثیر گذارترین شاخص های مورد بررسی در ساختار فضایی مناطق شهرهای است، از شش شاخص؛ درصد شاغلان بخش کشاورزی، درصد شاغلان بخش صنعت، درصد شاغلان بخش خدمات، درصد شاغلان بخش آموزش و درمان،

بافت اجتماعی یک همگونی نسبتاً متعادلی دارد. بیشتر ساکنان آن را طبقه متوسط به بالا تشکیل می دهد.

منطقه ۲: منطقه دو شهری ارومیه واقع در شرق شمال شرق شهر، منطقه ای تقریباً ناهمگن که اقشار اجتماعی متوسط به پایین و اقشار محروم را در خود جای داده است. با مساحتی بالغ بر ۱۳۲۶ هکتار، ۱۴۱۹۰۵ نفر جمعیت دارد. در این منطقه محله های اسلام آباد، حسین آباد، وکیل آباد و علی آباد با خصوصیات خاص اجتماعی (ساکنان غیر رسمی) که در بخش شمال شرق منطقه جای گرفته اند.

منطقه ۳: منطقه سه شهری ارومیه واقع در غرب و شمال غربی شهر که از نظر توپوگرافی اجتماعی یک منطقه تقریباً ناهمگون است بطوریکه در بخش میانی آن اقشار متوسط از جمله شهرک ایثار، شهرک فرهنگیان و شهرک شهریار و در شمال غربی آن اسلام آباد، منطقه کوه جهودان، کشتارگاه واقع است و در جنوب آن بافت روستای طرزیلو که اقشار محروم هستند ساکن می باشند. مساحت این منطقه بالغ بر ۳۰۰۵/۵ هکتار بوده و ۱۶۸۵۵۰ نفر جمعیت دارد.

منطقه ۴: منطقه چهار شهری ارومیه محدوده قدیمی و مرکزی ارومیه در این منطقه قرار دارند. بافت قدیمی شهر و عمده ترین مراکز و راسته ها تجاری و خدماتی شهر را تشکیل می دهد. با مساحتی بالغ بر ۹۶۹/۰۸ هکتار، ۹۹۳۸۹ نفر جمعیت داشته که در این تحقیق منطقه ی ویژه شناخته می شود (طرح جامع ارومیه، ۱۳۸۵).

روش شناسی تحقیق

با توجه به مؤلفه های مورد بررسی، تحقیق حاضر به روش توصیفی و کمی- تحلیلی انجام شده است. جامعه آماری مناطق شهری ارومیه بر اساس تقسیمات کالبدی سازمان مسکن و شهرسازی است. شاخص های مورد استفاده ۷۳ شاخص و بر اساس دوره آماری سال ۱۳۸۵ بوده که در هشت بخش جداگانه در سطح مناطق شهر ارومیه جمع آوری شده است. با کاربرد مدل آنتروپی (Wheeler & Muller, 1986: 385-386) توزیع فضایی

پمپ گاز به ازای ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد بانک‌ها به ازای ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد چاپخانه به ازای ۱۰۰۰۰ نفر می‌باشد.

خ- شاخص‌های ساختار کالبدی (X_8): شاخص‌های در برگیرنده ساختار کالبدی شامل؛ سرانه فضای مسکونی، سرانه فضای تجاری، سرانه فضای آموزش عمومی، سرانه فضای آموزش عالی و فنی حرفه‌ای، سرانه فضای مذهبی، سرانه فضای فرهنگی، سرانه فضای جهانگردی - پذیرایی، سرانه فضای بهداشتی، سرانه فضای درمانی، سرانه فضای سبز تجهیز شده، سرانه فضای سبز حفاظتی، سرانه فضاهای ورزشی، سرانه فضای اداری و انتظامی، سرانه تأسیسات و تجهیزات شهری، سرانه صنایع کارگاهی، سرانه شبکه ارتباطی، سرانه حمل و نقل و انبار، سرانه فضاهای باز و حرایم است.

مدل تاپسیس^۱

روش‌ها و مدل‌های متفاوتی برای سنجش و رتبه‌بندی بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی سکونتگاه‌های انسانی و شهری وجود دارد که الزاماً جواب‌های یکسانی در پی ندارند. در این میان بهره‌گیری از روش‌های چند شاخصه، دارای اهمیت بیشتری است. با تکوین و توسعه روش‌های تصمیم‌گیری‌های چند شاخصه؛ به ویژه ترکیب مدل‌های فازی و شکل‌گیری روش‌های چندشاخصه فازی سنجش و اولویت‌بندی سطح نابرابری‌ها مراکز شهری در مرحله جدیدی قرار گرفته است. یکی از روش‌های رتبه‌بندی که دارای قدرت بالایی در تفکیک شاخص هاست، "تکنیک رتبه‌بندی ترجیحی بر اساس تشابه به پاسخ‌های ایده‌آل" که به اختصار تاپسیس شناخته می‌شود. این روش توسط هانگ و یون^۲ (2002) ارائه گردید. ساختار کلی و مراحل مدل به شرح زیر است (Asgharpoor, 2008:213-270):

سهم نسبی شاغلان بخش عمومی، سهم نسبی شاغلان بخش خصوصی استفاده شده است.

ث- شاخص‌های ساختار بهداشتی - درمانی (X_4):

شاخص‌های مورد بررسی در این بخش شامل؛ تعداد مرکز بهداشتی به ازای ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد مراکز درمانی به ازای ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد داروخانه به ازای ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد آزمایشگاه به ازای ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد مراکز توانبخشی به ازای ۱۰۰۰۰ نفر می‌باشد.

پ- شاخص‌های ساختار آموزشی و علمی (X_5):

شاخص‌های مورد بررسی در این بخش شامل؛ درصد با سوادی، درصد کل دانش آموزان، درصد دانش آموزان دختر، درصد دانش آموزان پسر، تراکم دانش آموزان دختر نسبت به کلاس، تراکم دانش آموزان پسر نسبت به کلاس، تعداد آموزشگاه به ازای ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد مراکز آموزش عالی به ازای ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد مراکز تحقیقاتی و پژوهشی در ۱۰۰۰۰ نفر می‌باشد.

ج- شاخص‌های ساختار فرهنگی (X_6): ۹ شاخص به

عنوان شاخص‌های بخش فرهنگی در نظر گرفته شده است. تعداد کتابخانه عمومی به ازای ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد مساجد و حسینیه به ازای ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد سینما به ازای ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد کانون‌های فکری و پرورشی کودکان به ازای ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد مطبوعات محلی به ازای ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد مراکز روزنامه‌های سراسری به ازای ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد نمایندگی‌های خبرگزاری‌های فعال به ازای ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد مؤسسه انتشاراتی به ازای ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد لیتوگرافی به ازای ۱۰۰۰۰ نفر می‌باشد.

ح- شاخص‌های ساختار تأسیسات و تجهیزات شهری

(X_7): مهم‌ترین شاخص‌های این بخش شامل؛ تعداد کشتارگاه به ازای ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد ایستگاه آتش نشانی به ازای ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد میدان تره بار به ازای ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد جایگاه پمپ بنزین به ازای ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد جایگاه

1. Technique for Order Preference by Similarity to Ideal Solution(Topsis)

2. Hwang and Yoon

- مرحله پنجم یافتن ایده آل های مثبت و منفی: در این مرحله بزرگترین مقدار هر شاخص به عنوان ایده آل مثبت (A^+) و کمترین مقدار هر شاخص، به عنوان ایده آل منفی (A^-) تعیین می شود.

- مرحله ششم محاسبه اندازه جدایی: این مرحله به کمک مرحله پنجم فاصله اقلیدسی هر یک از گزینه ها، از جواب های ایده آل مثبت و منفی مربوط به هر شاخص مسئله، محاسبه می شود. (رابطه ۶ و ۷)

$$D_i^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^n (V_{ij} - V_j^+)^2} \rightarrow i = 1, 2, \dots, m \quad (6)$$

$$D_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n (V_{ij} - V_j^-)^2} \rightarrow i = 1, 2, \dots, m \quad (7)$$

مرحله هفتم محاسبه نزدیکی نسبی A_j به راحل ایده آل: این نزدیکی نسبی، به صورت زیر تعریف می شود.

$$CL_i = \frac{D_i^-}{D_i^- + D_i^+} \rightarrow i = 1, 2, \dots, m; 0 \leq CL_i \leq 1 \quad (8)$$

مرحله هشتم: و بالاخره هر یک از گزینه ها (مناطق)، براساس CL_i رتبه بندی می شوند.

رتبه بندی و سطح بندی مناطق شهر ارومیه از نظر شاخص های مختلف (۱۳۸۵)

مهمترین معیار برای تحلیل نابرابری های اجتماعی و وضعیت عدالت فضایی در شهر، نحوه توزیع امکانات و شاخص های در سطح مناطق شهری است. برای تبیین توزیع شاخص ها در بین مناطق از مدل تاپسیس استفاده شده است. مدل تاپسیس یکی از بهترین و دقیق ترین روش های تصمیم گیری چند شاخصه در میان مدیران و برنامه ریزان است (اکبری و زاهدی کیوان، ۱۳۸۷: ۱۷۰). بر اساس این مدل مناطق شهری ارومیه در ۷۳ شاخص در ۸ بخش جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی درمانی - درمانی، فرهنگی، اداری - خدماتی، کالبدی و آموزشی - علمی یک

- مرحله اول تشکیل ماتریس تصمیم گیری: این ماتریس از n شاخص و m مکان شده است.

- مرحله دوم وزن دهی به شاخص ها: وزن دهی به شاخص ها، (رابطه ۱) از طریق مدل «آنتروپی شانون» صورت گرفته که ساختار این مدل به شرح زیر است (اکبری و زاهدی کیوان، ۱۳۷۸: ۴۷-۴۸):

$$n_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sum_{i=1}^n x_{ij}} \quad (1)$$

- در مرحله بعدی، مقدار آنتروپی هر یک از شاخص ها، محاسبه می گردد. (رابطه ۲).

$$\sum_j = -k \sum_{i=1}^m [n_{ij} \ln(n_{ij})] \rightarrow k = \frac{1}{\ln(m)} \quad (2)$$

مقدار آنتروپی هر یک از شاخص ها، مقداری بین صفر و یک است. بعد از محاسبه آنتروپی هر شاخص، درجه انحراف هر شاخص از طریق رابطه زیر بدست می آید. (رابطه ۳).

$$d_j = 1 - E_j \quad (3)$$

- محاسبه وزن دهی هر شاخص، از (رابطه ۴) محاسبه می شود.

$$w_j = \frac{x_j}{\sum_{j=1}^n d_j} \quad (4)$$

W وزن شاخص و d درجه انحراف می باشد.

- مرحله سوم تشکیل ماتریس بی مقیاس شده: در این مرحله، ماتریس تصمیم گیری موجود، به یک ماتریس "بی مقیاس شده" با استفاده از رابطه زیر تبدیل می شود.

$$n_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sum_{i=1}^n x_{ij}} \quad (5)$$

- مرحله چهارم ماتریس بی مقیاس شده موزون: این ماتریس از طریق ضرب ماتریس بی مقیاس شده در وزن هر شاخص، حاصل می گردد.

جدول ۲. رتبه‌بندی مناطق شهری ارومیه بر اساس شاخص‌های توسعه با استفاده از روش تاپسیس

رتبه	مناطق شهری	فواصل مثبت	فواصل منفی	میزان تاپسیس
۲	منطقه یک	۰/۲۶۵۱	۰/۱۰۵۶	۰/۲۸۴۹
۴	منطقه دو	۰/۲۹۹۴	۰/۰۰۲۲	۰/۰۰۷۱
۳	منطقه سه	۰/۲۹۲۱	۰/۰۲۲۵	۰/۰۷۱۴
۱	منطقه چهار	۰/۰۶۷۲	۰/۲۸۶۶	۰/۸۱۰۱
-	ضریب پراکندگی (C. V)	-	-	۱/۳۷

جدول ۳. سطح بندی مناطق شهری ارومیه به لحاظ برخورداری از شاخص‌های توسعه

رتبه	نام منطقه	میزان تاپسیس	سطح برخورداری
۱	منطقه چهار	۰/۸۱۰۱	برخوردار (توسعه یافته)
۲	منطقه یک	۰/۲۸۵۹	نیمه برخوردار (متوسط)
۳	منطقه سه	۰/۰۷۱۴	کم برخوردار (محروم)
۴	منطقه دو	۰/۰۰۷۱	

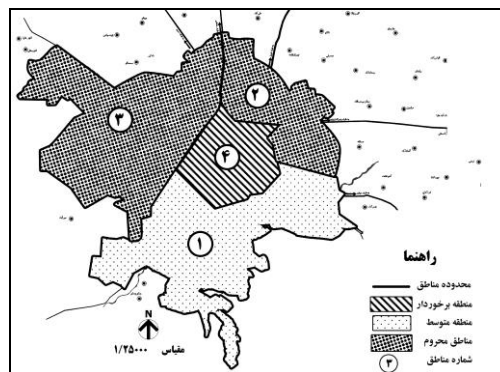
جدول ۴. آماره‌های تحلیل رگرسیون چندگانه ساختار فضایی شهر ارومیه (کل شاخص‌ها)

اشتباه معیار	ضریب تبیین تصحیح شده	ضریب تبیین	ضریب همبستگی چندگانه
۰/۱۰۵۶	۰/۹۱۶	۰/۹۴۴	۰/۹۷۲

جدول ۵. تحلیل واریانس رگرسیون چندگانه ساختار فضایی مناطق شهری ارومیه (کل شاخص‌ها)

منبع تغییرات	مجموع درجه میانگین	مربعات آزادی	مربعات	میانگین مربعات	کمیت F	سطح معنی‌داری
اثر رگرسیونی	۰/۳۷۶	۱	۰/۳۷۶	۰/۳۷۶		
باقی مانده	۰/۰۲۲	۲	۰/۰۱۱	۰/۰۱۱	۳۳/۷۴	۰/۰۲۸
کل	۰/۳۹۵	۳				

ماتریس را تشکیل داده‌اند. سپس با استفاده از مدل آنتروپی شانون (جدول ۱) وزن دهی و سرانجام، طی مراحل ششگانه مدل تاپسیس (جدول ۲) رتبه‌بندی آنها صورت گرفته است. بر اساس نتایج جدول ۱. شاخص‌های کالبدی، آموزشی و اقتصادی بیشترین اوزان را بخود اختصاص داده‌اند. با استفاده از توزیع ضریب پراکندگی (C. V)، نابرابری هر یک از شاخص‌های بخش‌های هشتگانه در مناطق چهارگانه مشخص گردید. ضریب بدست آمده ۱/۳۷ نشانگر نابرابری شدید در توزیع شاخص و امکانات در سطح شهر می‌باشد، بیشترین نابرابری در توزیع فضایی مربوط به شاخص‌های بهداشتی- درمانی و فرهنگی و کمترین نابرابری مربوط به شاخص‌های کالبدی است. بر اساس نتایج بدست آمده از رتبه‌بندی مدل تاپسیس جدول (۳) منطقه چهار برخوردارترین و منطقه دو به عنوان محرومترین منطقه شناخته شد (شکل ۱).



شکل ۱. نقشه سطح بندی نابرابری‌های اجتماعی مناطق شهری ارومیه

جدول ۱. وزن دهی شاخص‌ها با استفاده از روش آنتروپی شانون

شاخص‌ها	شانون e_j	درجه	وزن
جغرافیایی و جمعیتی (x_1)	۰/۶۶۲۴	۰/۳۵۷۷	۰/۱۱۹۶
اجتماعی (x_2)	۰/۶۶۹۵	۰/۳۳۰۵	۰/۱۱۰۶
اقتصادی (x_3)	۰/۸۴۰۹	۰/۱۵۹۱	۰/۰۵۳۲
بهداشتی- درمانی (x_4)	۰/۲۱۴۱	۰/۸۸۵۹	۰/۲۶۲۹
فرهنگی (x_5)	۰/۱۸۴۹	۰/۸۱۵۱	۰/۲۷۲۶
اداری- خدماتی (x_6)	۰/۶۶۷۲	۰/۳۳۲۷	۰/۱۱۱۳
کالبدی (x_7)	۰/۹۸۹۱	۰/۱۰۹	۰/۰۰۳۶
آموزشی- علمی (x_8)	۰/۸۰۲۲	۰/۱۹۷۸	۰/۰۶۶۴

بخش های جمعیتی، بهداشتی-درمانی، فرهنگی و اداری خدماتی به ترتیب ۰/۹۵۴، ۰/۹۵۵، ۰/۹۴۷، ۰/۹۷۲، واحد تغییر در توسعه ساختار مناطق شهر ارومیه ایجاد خواهد شد.

جدول ۶. آماره های ضرایب مدل رگرسیونی بخش های مختلف

ساختار فضایی مناطق شهری ارومیه

متغیر	ضرایب غیر		ضرایب		مقدار T	سطح معنی داری
	استاندارد	خطای	استاندارد شده	خطای		
	B	B	B	B		
عرض از مبدا	-۰/۰۲۷	۰/۰۹۷	۰/۰	۰/۰	۰/۲۷۵	۰/۸۰۹
جمعیتی	۰/۸۴۶	۰/۱۸۸	۰/۹۵۴	۰/۱۸۸	۴/۵۱۰	۰/۰۴۶
اجتماعی	۰/۲۱۴	۰/۵۶۸	۰/۲۵۷	۰/۳۷۶	۰/۷۴۳	۰/۷۴۳
اقتصادی	۰/۷۷۰	۰/۴۱۶	۰/۷۹۵	۰/۳۷۶	۱/۸۵۱	۰/۲۰۵
بهداشتی-درمانی	۰/۷۱۲	۰/۱۵۷	۰/۹۵۵	۰/۳۷۶	۴/۵۳۶	۰/۰۴۵
فرهنگی	۰/۷۰۵	۰/۱۶۹	۰/۹۴۷	۰/۳۷۶	۴/۱۶۶	۰/۰۵۳
اداری-خدماتی	۰/۹۸۸	۰/۱۶۷	۰/۹۷۲	۰/۳۷۶	۵/۹۰۴	۰/۰۲۸
کالبدی	۰/۰۹۰	۲/۸۰۱	۰/۰۲۳	۰/۳۳۲	۰/۹۷۷	۰/۹۷۷
آموزشی-علمی	۰/۴۶۵	۰/۵۶۳	۰/۵۰۴	۰/۳۳۲	۰/۸۲۵	۰/۴۹۶

در حالی که در بخش های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و علمی-آموزشی که اثرات اندکی در پیش گویی توسعه ساختار فضایی مناطق شهری ارومیه دارند به عنوان مثال، یک واحد تغییر در شاخص های اجتماعی، به اندازه ۰/۲۵۷ واحد تغییر در ساختار فضایی مناطق ایجاد می کند.

بحث و نتیجه گیری

جدایی گزینی گروه های درآمدی و اجتماعی و نیز نابرابری اجتماعی در برخورداری از مواهب توسعه در بین نواحی و مناطق شهرهای بزرگ یکی از دغدغه های اصلی جغرافیای کاربردی نوین است. عدم توجه به بحث عدالت اجتماعی

مدل برازش رگرسیونی عوامل تبیین کننده نابرابری های ساختار فضایی مناطق شهری

شاخص های مختلف سنجش نابرابری های اجتماعی ارومیه که شامل ۸ بخش؛ جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی درمانی-درمانی، فرهنگی، اداری-خدماتی، کالبدی و آموزشی-علمی می باشند، به عنوان متغیرهای مستقل و بخش تلفیقی که نمایانگر ساختار فضایی نابرابری اجتماعی مناطق شهری است به عنوان متغیر وابسته، در نظر گرفته شده است تا اثرات هر کدام از بخش ها در نابرابری مناطق شهری مشخص گردد. بر این اساس و با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و مدل رگرسیونی چندگانه، عوامل و شاخص های تاثیرگذار در توسعه ساختار فضایی مناطق شهری ارومیه مشخص گردید. نتایج حاصله در جدول ۶.

حکایت از آن دارد از بین بخش های هشت گانه، بخش های جمعیتی با Sig: 0.046، بهداشتی-درمانی با Sig: 0.045، اداری-خدماتی با Sig: 0.028 و فرهنگی با Sig: 0.056 با سطح اطمینان ۰/۹۵ معنی دار می باشند و سایر بخش ها به دلیل ارتباط ضعیف با متغیرهای وابسته (شاخص فضای شهری) علیرغم وجود رابطه بالای $R \geq 5$ معنی دار نیستند. بررسی تفصیلی تر روابط بین شاخص ها و فضای شهری حاکی از آن است که شاخص های بخش های جمعیتی با ضریب همبستگی ۰/۹۵۴، بهداشتی-درمانی ۰/۹۵۵، فرهنگی ۰/۹۴۷، اداری-خدماتی ۰/۹۷۲ در تبیین فضای شهری نقش دارد. باقی مانده اندک واریانس ها به وسیله عوامل ناشناخته که در این تحقیق نیامده است، تبیین و پیش بینی می شوند. در جدول ۴، ضریب همبستگی برای کل شاخص ها به میزان ۰/۹۷۴ و در جدول ۵، معنی دار بودن رگرسیون رابطه بین متغیرها با سطح معنی داری Sig: .028 که معنی دار بودن آن را به میزان ۹۵ درصد مشخص می کند، تایید می شود. با نگاهی به مقادیر B در جدول ۶، روشن می شود که یک واحد تغییر در انحراف معیار

ثانیاً، ضریب پراکندگی بین شاخص‌های مختلف ۱/۳۷ بوده که موید وجود نابرابری شدید در شاخص‌های مختلف بین مناطق چهارگانه شهری است.

ثالثاً، نتایج حاصله از تحلیل مدل برازش رگرسیونی حکایت از آن دارد از بین شاخص‌های مختلف، بخش جمعیتی، بهداشتی-درمانی، اداری-خدماتی و فرهنگی؛ با سطح اطمینان ۰/۹۵ معنی‌دار بوده و بیشترین تاثیر را در ساختار فضایی و نابرابری‌های مناطق شهری داشتند. سایر بخش‌ها، علیرغم وجود رابطه بالا به دلیل ارتباط ضعیف با متغیرهای وابسته (شاخص فضای شهری) معنی‌دار نبودند و تاثیر کمتری در نابرابری‌های اجتماعی مناطق شهری ارومیه داشتند.

رابعاً، با توجه به نقشه شماره (۱) مشخص می‌شود وسعت و گسترش مناطق کم بر خوددار (محروم) بیشتر از مساحت مناطق بر خوددار و متوسط می‌باشد.

با توجه به نتایج فوق توان گفت، همراه با اهداف و آرمانهای توسعه و پیشرفت در فرایند برنامه‌ریزی شهری، تعادل و ایجاد توازن بین مناطق و نواحی شهری در برخوردار از مواهب توسعه امری ضروری است. امروزه بحث عدالت اجتماعی در کانون مطالعات شهری قرار دارد. زیرا بدون برقراری عدالت اجتماعی امکان تحقق اهداف توسعه پایدار ممکن نخواهد شد. ایجاد توازن در جریان توسعه، بین مناطق گوناگون، از ایجاد شکاف و تشدید نابرابری جلوگیری خواهد کرد. از این رو پیشنهاد می‌گردد مدیران و برنامه‌ریزان شهری در جهت تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار شهری در تخصیص منابع برحسب نیاز و استحقاق مناطق عمل نموده و تأمین نیازهای اساسی و زیربنایی مناطق کم برخوردار (مناطق ۱ و ۲) در اولویت قرار گیرد.

در شهرها موجب عمیق‌تر شدن شکاف نابرابری‌های اجتماعی در سطح شهرها خواهد شد. بسیاری از نظریه‌پردازان توسعه، بر کاهش و رفع دوگانگی‌های اقتصادی و اجتماعی به عنوان یکی از اهداف اساسی توسعه تأکید دارند. با توجه به نتایج مطالعات کتابخانه‌ای، شهر ارومیه به دلیل موقعیت جغرافیایی و مرکزیت سیاسی با کارکردهای خدماتی، صنعتی و کشاورزی در کمتر از شصت سال جمعیت آن از ۶۷۶۰۵ نفر در سال ۱۳۳۵ به بیش از ۵۷۷۳۰۷ نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است. رشد فزاینده جمعیت شهری ارومیه و گسترش بی‌قواره و فضای لجام گسیخته شهر موجب عدم تعادل در سطح شهر و مناطق آن شده است. در این مقاله برای تحلیل نابرابری‌ها و در جهت یافتن پاسخ این سوال است که: آیا میان مناطق شهری ارومیه به لحاظ برخوردار از شاخص‌های اجتماعی و توسعه پایدار شهری و توزیع امکانات و خدمات تفاوت‌های معنی‌داری وجود دارد؟ فرضیه تحقیق حاضر این بود: بین مناطق شهری ارومیه به لحاظ برخوردار از شاخص‌های اجتماعی و توسعه پایدار شهری و توزیع امکانات و خدمات تفاوت‌های معنی‌داری وجود دارد. تحلیل نتایج مدل‌ها و شاخص‌های مختلف در مناطق چهارگانه نشان می‌دهد:

اولاً، نتایج تحلیل مدل تاپسیس نشان می‌دهد توزیع برخوردار از شاخص‌های شهری در بین مناطق شهری ارومیه در سال ۱۳۸۵ نابرابر و نامتعادل بوده است. به طوری که منطقه ۴ برخوردارترین سطح و منطقه ۲ محرومترین سطح برخوردار را به خود اختصاص داده اند. این نابرابری در شاخص‌های مختلف روند یکسانی نداشته علیرغم وجود همبستگی در همه شاخص‌ها؛ در بخش‌های جمعیتی، بهداشتی-درمانی، فرهنگی و اداری-خدماتی این همبستگی‌ها معنی‌دار و در سایر بخش‌ها معنی‌دار نبوده است.

Reference

1. Abdi Daneshvar, zohra, (2000), Spatial Analysis in Cities, Tehran, Journal of Saffa, year.9, No. 29, p34-57.
2. Anzali Hassan, (2011), Urmia in time passing, 3rd, Tehran, Dastan Publications.
3. Asgharpoor, Mohammad Javad, (2007), Multivariate decision making, Tehran, University Tehran publications.
4. Barbier, E. (1989) Economics, Natural Resource Scarcity and Development, London: Eat scan.
5. Cumper, G. E., (1974), Dependence, development and the sociology of economic thought, Social and Economic Studies, 23, 186-212.
6. Duff, A. K. (2005), Mukhopadhyay: Globalization and the Inequality among nation, A VAR approach, Journal of Economics Letters, 34, p: 296.
7. Friedman, J., (1966), Regional Development Policy, A case Study of Venezuela, Massachusetts: MIT Press.
8. kalantari, Khalil,(2011), Data Processing and Analysis in Socio-Economic Research, Tehran, Saba Press.
9. Kunzumam, K-R. (1998), planning for spatial equity in Europe, International Planning Studies 3(1), 101-121.
10. Hakmatnia, Hassan & Mir Najaf Mousavi, (2004), Model Application in Geography with Emphasis on Urban and Regional Planning, Yazd, Alm Novin press.
11. Hall, peter Geoffery, & Pfeiffer Ulrich, (2011), Urban future21, Trasilated by Sadghi & others, Tehran, Iranian Society of Consulting Engineers. .
12. Harvey, David. (1997), Social justice and city, translated by Farrokh Hesamiayan & others, Tehran, processing and planning, P. 43.
13. Hataminajad, Hossein & Omran Rasti, (2003), Analysis of John Rawls Theories & David Harvey, Journal of Sarzamin, No. 9.
14. Iran Statistics Center, (2005), Organization Statistics, Information Computing Services, Uremia city.
15. Marsousi, Nafiseh, & Rahmatollah Bahrami, (2009), Urban Sustainable Development, Tehran, payame Noor University Publications.
16. Marsousi, Nafiseh, (2003), Analysis of Social Justice Spatial in the Tehran City, Geography and Urban planning PHDTheses, Tehran, Tarbiat Moddares University.
17. Melvin, Tumin, (2008), Social Stratific: The forms and Functions of Inequality, Translated by Abdolhossein Nicghohar, Tehran, Totia press.
18. Pourmahammdi, Mohammad Reza, (2002), Urban land use planning, Samt perss.
19. Ritclift, M. (1992), The meaning of sustainable developing, Geoforum, 23(3), 394-403.
20. Robert B. Potter & Sally Lloyd-Evant, (2004), The City in the Developing World, translated by Kayoumars Irandoost & others, Tehran, Shahrdariha and dahdariha press, .
21. Shakoei, Hossein, (2004), New perspectives in urban geography, vol.1, Tehran, Samt press.
22. Sharifzadeghan, Mohammad Hossein, (2004), Economic Development Strategies and Social justice, Quarterly Journal of Social welfare, No. 24.
23. Tsou Ko-Wan, Hung Yu-Ting and Chang Yao- Lin, (2005), An accessibility-based Integer measure of relative Spatial equity in Urban Facilities. Department of Urban Planning, National Chen Kuhn University, Tainan 70101, Taiwan.
24. Varesi, Mohammad Reza, Zahtab Sarvari, (2006), An analysis interaction of development migration and urbanization in Iran, Journal of geography and Regional Development, No6, Ferdowsi University of Mashad, P.182.

25. Wheeler, James., Muller O. (1986),
Economic Geography, John Wiley &
sons, Inc, Canada.

26. Zahedi, Mohammad Javad, (2007),
Development & Inequality, Tehran,
Mazeyar publications.